مطالعات اوراسیای مرکزی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۵، زمستان ۱۳۸۸، صفحات۲۲-۱

ترکیه، پان‌ترکیسم و آسیای مرکزی

حمید احمدی*

استاد و عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۲۴ آذر ۱۳۸۷- تاریخ تصویب: ۱۷ شهریور ۱۳۸۸)

چکیده

هدف این مقاله، بررسی تأثیرات ایدئولوژی پان‌ترکیسم در آسیای مرکزی است. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، بار دیگر امید نظریه پردازان و استراتژیست‌های پان‌ترکیسم را که پس از جنگ دوم در رابطه با پیشبرد پروژه برپایی یک امپراتوری ترک زبان در مناطق جنوبی شوروی دچار سرخوردگی و ناامیدی شده بودند، زنده کرد.

این مقاله با توجه به آرمان‌های پان‌ترکی در سیاست خارجی ترکیه و تلاش‌های پانزده ساله اخیر سیاستمداران و نخبگان فکری این کشور برای پیشبرد پروژه پان‌ترکیسم و اتحاد جمهوری‌های آسیای مرکزی، پیامد این تلاش‌ها و تأثیرات آن در آسیای مرکزی در نهایت واکنش کشورهای منطقه را به آرمان‌های پان‌ترکی تجزیه و تحلیل می‌کند. فرضیه اساسی مقاله آن است که برخلاف ایده‌های اولیه، پان‌ترکیسم در ابعاد سیاسی خود پیشرفت چندانی نکرده و این مسأله ترکیه و سیاستمداران آن را دچار تردید کرده است. با این همه ترکیه در عرصهٔ انتقادی و فرهنگی همچنان به پروژه امپراتوری‌سازی آینده امیدوار است.

کلیدواژه‌ها

ترکیه، پان‌ترکیسم، آسیای مرکزی، پان‌تورانیسم

* Email: hahmadi@gmail.com

مقدمه

هدف این مقاله بررسی تأثیر ایدئولوژی پان‌ترکیسم بر سیاست خارجی ترکیه در آسیای مرکزی است. این مقاله ضمن توضیح کوتاه پیرامون مفاهیم مربوط به مراحل رشد و تکوین ایدئولوژی پان‌ترکیسم، به نقش آن به عنوان ابزار پیشبرد منافع ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز تمرکز می‌کند. فرضیه اساسی مقاله آن است که ایدئولوژی پان‌ترکیسم به‌عنوان ابزار پیشبرد نفوذ ترکیه در آسیای مرکزی با وجود تلاش‌های گسترده‌ای که صورت گرفته است با موانع گوناگونی مواجه شده و امروزه نقش محوری را در سیاست خارجی ترکیه در این منطقه بازی نمی‌کند. با این همه پان‌ترکیسم به عنوان یک ابزار سیاسی، در بعد فرهنگی خود همچنان در حاشیه سیاست‌خارجی ترکیه مطرح است و آن را باید به عنوان یک چالش بالقوه در نظر گرفت.

ناسیونالیسم ترک، پان‌ترکیسم، پان‌تورانیسم

بسیاری از پژوهشگران و علاقه‌مندان به مسائل خاورمیانه در بررسی پان‌ترکیسم و رابطه آن با ترکیه، دارای دو برداشت نادرست هستند. نخست این‌که پان‌ترکیسم را یک ایدئولوژی منسجم می‌دانند و میان آن و سایر مفاهیم مربوطه تفاوت قائل نمی‌شوند. دوم اینکه در برقراری رابطه میان پان‌ترکیسم و دولت ترکیه به‌ویژه در دوران آتاتورک دچار اشتباه می شوند. در رابطه با برداشت نادرست رایج نخست باید به ذکر این نکته پرداخت که در مطالعات مربوط به ترکیه و دنیای ترک، به‌ویژه تا آنجا که به موضوع ترک‌گرایی و پان‌ترکیسم مربوط می‌شود، باید سه مفهوم اساسی را از یکدیگر جدا ساخت. نخست مفهوم ناسیونالیسم ترک که به ایدئولوژی ملی‌گرایانه رسمی ترکیه در دوران آتاتورک و پس از آن اشاره می‌کند و هدف آن ایجاد یک دولت ملی‌ترک در بقایای امپراتوری عثمانی و هویت‌سازی ترکی در چارچوب مرزهای آن بود. دوم واژه پان‌ترکیسم که در ادبیات مربوطه به گرایش ملی‌گرایی رمانتیک به آن گروه از نخبگانی اشاره می‌کند که در پی ایجاد یک دولت واحد متشکل از ترکیه و مردمان ترک تبار منطقه(شامل قفقاز و آسیای مرکزی) هستند. سومین واژه که به لحاظ کاربرد و هدف با دو واژه نخست متفاوت می‌باشد، واژه پان‌تورانیسم یا تورانی‌گری است.

این واژه به نوعی ایدئولوژی رمانتیک کاملاً افراطی اشاره می‌کند که به نظر خود در پی اتحاد تمامی مردمان ترک تبار جهان از شرق چین تا شرق اروپاست (لاندو، ۱۳۸۵، صص ۲۵-۱۹).

برخی از نخبگان فعال پان‌ترکیست به تفاوت‌های میان این‌گونه واژه‌ها اشاره‌هایی داشته‌اند که از چشم پژوهشگران مطالعات خاورمیانه دور مانده است. از آن جمله می‌توان به اندیشه‌های ضیاگوک آلپ از روشنفکران برجسته پان‌ترکیست اشاره کرد که میان واژه‌هایی چون پان‌ترکی، پان اوغوزیسم و پان‌تورانیسم تفاوت قایل شده و با این تفاوت استراتژی محافل پان‌ترکی را برای تحقق آرمان‌های آنها مشخص کرده بود(لاندو، ۱۳۸۵، ص ۷۶).

دومین برداشت نادرست رایج در میان علاقمندان به مسایل خاورمیانه در ایران، آن است که گمان می‌کنند پان‌ترکیسم مخلوق کمال آتاتورک، رئیس‌جمهور ترکیه و ایدئولوژی سیاسی دوران زمامداری او بوده است. برهمین اساس برخی به خطا آتاتورک را ایدئولوگ و بنیانگذار پان‌ترکیسم تصور کرده‌اند(زیباکلام، ۱۳۸۰، صص ۸۲-۶۹). این درحالی است که در اصل کمال آتاتورک پس از تأسیس دولت ترکیه مدرن، مخالفت آشکار خود را با ایدئولوژی و اهداف پان‌ترکیسم اعلام کرد و بر ملی‌گرایی ترک تأکید داشت. به نظر آتاتورک ایدئولوژی پان‌ترکیسم مشکلات زیادی را برای ترکیه به‌ویژه امپراتوری عثمانی ایجاد کرده و عامل اصلی فروپاشی آن بوده است. به همین دلیل گروه‌های پان‌ترکیست در دوران حکومت آتاتورک نقش فعالی در سیاست‌های رسمی دولت نداشتند و در حاشیه جامعه ترکیه به فعالیت مشغول بودند.

ترکیه و پان‌ترکیسم در آسیای مرکزی و قفقاز

فروپاشی شوروی تنها برای نخبگان و روشنفکران پان‌ترکیست فضای گسترده‌ای از امید و آرمان ایجاد نکرده، بلکه برای بسیاری از احزاب سیاسی و نخبگان ترکیه از جمله طرفداران کمال آتاتورک و حتی برخی گرایش‌های چپ و اسلام‌گرای ترکیه نیز وسوسه‌انگیز بود. استقلال کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و آینده آنها بار دیگر جریانهای پان‌ترکی را از حاشیه به متن سیاست‌های ترکیه کشاند. با این همه آنچه که اهمیت داشت، تبدیل شدن پان‌ترکیسم به ایدئولوژی سیاسی نخبگان حکومتی و تداوم حاشیه‌ای بودن نهادهای رسمی طرفدار پان‌ترکیسم نظیر حزب حرکت ملی آلپ ارسلان تورکش و طرفداران او بود. به‌عبارت دیگر بسیاری از

احزاب سیاسی مخالف پان‌ترکیسم پس از فروپاشی شوروی طرفداری از اتحاد جهان ترک یا سیاست جهان ترک را به ابزار کسب قدرت تبدیل کردند.

ضعف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و انزوای جمهوری‌های آسیای مرکزی و جمهوری آذربایجان از جهان خارج، سیاستمداران و احزاب سیاسی ترکیه را تشویق کرد تا با محور قرار دادن ترکیه سعی در جذب این کشورها و اتحاد آنها در چارچوب یک کشور بزرگتر باشند. البته باید به این نکته اشاره کرد که گرچه گرایش‌ها و محافل پان‌ترکی مثل حزب حرکت ملی در ترکیه و یا جبهه خلق در جمهوری آذربایجان و هواخواهان آنها در دو کشور به‌صورت آشکار مسأله اتحاد کشورهای تازه استقلال یافته را با ترکیه در چارچوب یک ساختار سیاسی جدید مطرح می‌کردند، اما احزاب قدیمی ترکیه نظیر حزب راه راست، مام میهن، احزاب اسلامی و دیگران به‌صورت آشکار در پی این هدف نبودند و یا حداقل به‌دلیل نگرانی از دست نیافتنی بودن این هدف و واکنش احتمالی کشورهای دیگر به‌ویژه غرب، در برنامه‌های رسمی خود مسأله اتحاد کشورهای تازه تأسیس را با ترکیه مطرح نمی‌کردند.

نگرانی از احتمال واکنش تند جهان غرب و کشورهای قدرتمند منطقه چون چین و روسیه و ایران برخی از نظریه‌پردازان پان‌ترکیسم را نیز به جانب احتیاط کشاند و باعث شد آنها مسأله اتحاد سیاسی کشورهای ترک‌تبار منطقه را در زمره اهداف درازمدت خود در نظر گرفته و بر اتحاد فرهنگی و اقتصادی تأکید کنند و الحاق سرزمین‌های دارای اقوام ترک زبان در سایر کشورها را به مرحله نهایی واگذار کنند(زیان بدرالدین، ۱۳۸۵، صص ۴-۳۷۱).

گام‌های عملی در سیاست خارجی

اگرچه دولت ترکیه از مدت‌ها پیش برنامه پیوستن به اتحادیه اروپا را به‌عنوان سیاست رسمی خود دنبال می‌کرد و این امر بیشتر در آموزه‌های ملی‌گرایی و نیز پان‌ترکیسم ریشه داشت که ترکیه را بخشی از تمدن غرب می‌دانست و در پی پیوستن به آن بود(گوگالپ، ۱۳۵۱)، اما با فروپاشی شوروی وسوسه آرمان‌های پان‌ترکی نیز بر سیاست خارجی ترکیه سایه افکند. این امر باعث شد ترکیه برنامه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را برای نزدیکی بیشتر به کشورهای تازه استقلال یافته در پیش بگیرد. برنامه ترکیه به‌ویژه این بود که به کانال اصلی ارتباط این کشورها با غرب تبدیل شود و با کمک گرفتن از غرب و مشارکت در توسعه

اقتصادی این کشورها، زمینه نفوذ فرهنگی، سیاسی و اقتصادی خود را هموار کند. به این دلیل از همان آغاز سال‌های فروپاشی شوروی گام‌هایی را در این زمینه‌ها برداشت.

ترکیه بر آن بود که تا با نزدیک شدن بیشتر به کشورهای اروپایی و آمریکا نشان دهد که بهترین راه دورسازی کشورهای تازه استقلال یافته از بنیادگرایی اسلامی و روسیه، الگوگیری آنها از دولت سکولار آنکارا می‌باشد. از این طریق ترکیه هم می‌توانست ازکمک‌های غرب برخوردار شود و هم از آنها به عنوان ابزار پیشبرد برنامه‌های پان‌ترکی استفاده کند.

ترکیه برآن بود تا برنامه‌هایی شبیه به پروژه «منطقه همکاری اقتصادی دریای سیاه»[1] که در اوایل دهه ۱۹۹۰ دارای یازده عضو ازکشورهای اطراف دریای سیاه بود، برای کشورهای تازه استقلال یافته نیز سازماندهی کند تا در زمینه‌های گوناگون اقتصادی، علمی، ارتباطات، کشاورزی، پزشکی و مانند آن با یکدیگر همکاری کنند. در رابطه با کشورهای استقلال یافته شوروی، ترکیه از سال ۱۹۹۲ به بعد درتلاش بود تا از این کشورها در نهادهایی چون سازمان ملل، کنفرانس امنیت و همکاری اروپا، سازمان همکاری اقتصادی (اکو)، منطقه همکاری اقتصادی دریای سیاه، سازمان کنفرانس اسلامی و ناتو دفاع کند و در صورت لزوم با عضو کردن آنها در برخی از این نهادها همچون اکو خود را به‌عنوان حامی اصلی کشورهای مذکور معرفی کند. ترکیه همچنین با سازماندهی کنگره‌های سالانه برای گردهمایی رهبران کشورهای تازه استقلال یافته به استثنای تاجیکستان، زمینه‌های همبستگی بیشتر خود را با آنها ایجاد کرد.

ترکیه در این نشست‌ها مسائلی مثل ایجاد «بازار مشترک ترک»[2]، «بازار مشترک المنافع ترکی»[3] و همچنین در جریان نشست آوریل ۱۹۹۲ کشورهای مذکور در بیشکک، تأسیس بانک سرمایه‌گذاری واحد[4] را با هدف فراهم ساختن زمینه‌های توسعه اقتصادی این کشورها پیشنهاد کرد. در جریان نخستین گردهمایی کشورهای مذکور در آنکارا در ۱۹۹۲ نیز ترکیه تأسیس بانک توسعه برای آسیای مرکزی مسلمان را مطرح ساخت. علاوه برشرکت‌های ترکی، ترکیه در تلاش بوده است از سرمایه گذاران خارجی اروپایی و آمریکایی نیز کمک بگیرد. ترکیه در عرصه‌های دیگری چون مسأله ارتباطات، تلفن و تلگراف، آموزش دیپلمات‌ها، خدمات

1. Black Sea Economic Cooperation Region (BSECR)
2. Turkish Common Market
3. Turkic Commonwealth
4. United Investment Bank

بهداشتی، تخصص کشاورزی و مهارت‌های آماری و فنی قراردادهایی را با این جمهوری‌ها در اوایل دهه ۱۹۹۰ امضا کرد(لاندو، ۱۳۸۵، صص ۳۲۷، ۳۳۳).

ترکیه همچنین با استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای، کانال‌های تلویزیونی خود را برای این جمهوری‌ها پخش کرده است. تا بدین وسیله زمینه آماده سازی جمهوری‌ها برای وحدت زبان و خط را نیز هموار کند. امروزه اکثر شبکه‌های تلویزیونی ترکیه برای جمهوری‌های تازه استقلال یافته پخش می‌شود و از راه برنامه‌های متنوع خود سعی در جذب افکار عمومی این جمهوری‌ها به خود دارند. علاوه بر شبکه‌های تلویزیونی از همان سال‌های ابتدایی استقلال، روزنامه‌های معروف ترکیه چون ملیت، زمان و ترکیه هزاران نسخه از شماره‌های خود را در این جمهوری‌ها توزیع می‌کرده‌اند.

ترکیه در زمینه‌های فرهنگی نیز تلاش‌های گسترده‌ای انجام داده که ایجاد مدارس و دانشگاه‌های جدید در این جمهوری‌ها و تلاش برای جذب دانشجویان کشورهای تازه استقلال یافته از آن جمله بوده است. ترکیه از این راه سعی کرده است تا نسل جوان این کشورها را با الگوی خود پرورش دهد. با این هدف ترکیه در ژوییه ۱۹۹۳ کنفرانس دائمی رؤسای دانشگاه‌های جهان ترک را در آنکارا بوجود آورد تا در این زمینه برنامه‌ای نهادینه طراحی کنند. علاوه بر دولت ترکیه، موسسات خصوصی چون موسسه اوقاف دنیای ترک، موسسات وابسته به فتح‌الله گولن رهبر مذهبی ثروتمند ترکیه هم به تأسیس مدارس، دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها برای ترویج زبان ترکی واحد در این کشورها دست زده‌اند.

از جمله اقدامات فرهنگی ترکیه در تمامی این جمهوری‌ها، تلاش برای تبدیل حروف روسی به لاتین بوده است. برخی از کشورها نظیر جمهوری آذربایجان، ترکمنستان، ازبکستان و قزاقستان در این زمینه اقدام کرده و همانند ترکیه حروف لاتین را به‌جای حروف روسی در نوشتن زبان بکار می‌گیرند. ترکیه همچنین از طریق نهادهای آموزشی به‌ویژه وزارت آموزش و پرورش خود تلاش کرده است تا تاریخ واحدی را به عنوان تاریخ جهان ترک برای همه این کشورها تدوین کند. تدوین کتاب‌های تاریخ برای این جمهوری‌ها از جمله آن تلاش‌ها است. در این کتاب‌ها ضمن تلاش برای ارائه تاریخ مشترک، معرفی دشمن‌های مشترک نیز با هدف تشویق به همبستگی ترکی (Kazinform Official News Agency, 2007) انجام شده است.

تمامی تلاش‌های ترکیه برای ایجاد اتحاد کشورهای ترک زبان آسیای مرکزی و قفقاز با آنکارا در گردهمایی‌های سیاسی سران کشورهای مذکور که از سال ۱۹۹۲ به بعد هر از چند

گاه برپا می‌شود، جلوه‌گر شده است. سلیمان دمیرل نخست‌وزیر ترکیه در جریان سفر خود به منطقه در مه ۱۹۹۲ پیشنهاد برپایی این کنگره را داده بود(Mamedli, 2003). رهبران ترکیه و نخبگان احزاب گوناگون آن با هدف تشویق اندیشه اتحاد جمهوری‌ها و زمینه‌سازی برای آن سعی در ایجاد یک نهاد دائمی برای گردهمایی‌های سالانه داشته‌اند تا مشکلات گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی همه کشورها طرح شده و برنامه لازم برای حل آنها و تدوین یک سیاست و برنامه مشترک خارجی و داخلی ارائه شود. این اندیشه سرانجام به تأسیس «کنگره دوستی، برادری و همکاری کشورهای ترکی و اجتماعات ترک»[1] منجر شد. نخستین نشست این کنگره در ۲۱ مارس ۱۹۹۳ در آنتالیا برگزار شد. در این نشست که نخست‌وزیر ترکیه و رهبران احزاب آن شرکت داشتند، بحث‌های مربوط به وحدت و هویت واحد ترک‌ها و ضرورت اتحاد آنها در ابعاد گوناگون مطرح شد. در جلسات دوم، سوم و چهارم آن نیز که در سالهای ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ در ازمیر و مارس ۱۹۹۶ در آنکار برگزار شد، به همین موضوعات پرداخته شد.

گذشته از ترکیه و جمهوری‌های تازه استقلال یافته، بخش ترکی شمال قبرس و نمایندگانی از سایر جمهوری‌های روسیه مثل تاتارستان، باشکورستان و یاکوتیا در آن شرکت دارند. علاوه براین، گمان می‌رود که نمایندگانی نیز به‌صورت آشکار یا پنهان از کشورهای دیگری همچون عراق، ایران و افغانستان و مانند آن در این جلسات شرکت داشته باشند. شخصیت‌های سیاسی دولت تورگوت اوزال، سلیمان دمیرل و تانسو چیلر و نیز رهبران گروه‌های اسلامی چون اردوغان و دیگران در این جلسات حضور داشته‌اند. گرچه این نشست‌ها به‌شکل رسمی از سوی وزارت خارجه ترکیه برگزار نمی‌شود، اما حضور این شخصیت‌های رسمی و غیررسمی نشانه نفوذ عقاید و ایدئولوژی پان‌ترکی در سیاست خارجی ترکیه است.

علاوه براین کنگره، سایر نهادهای دارای اهمیت پان‌ترکی در رابطه با کشورهای ترک زبان بوجود آمده‌اند. از جمله این‌ها می‌توان به بنیاد پژوهشی جهان ترک[2]، انجمن پژوهش‌های فرهنگی ترک[3] و انجمن باشگاه‌های ترک[4] اشاره کرد که تلاش کرده‌اند با جلسات دوره‌ای خود بخش‌های گوناگون نخبگان این جمهوری‌ها را گرد هم آورند. با این همه مهمترین این

1. Friendship, Brotherhood and Cooperation Congress of Turkish States and Turkish Commumities.
2. Research Foundation of Turkish World
3. Turkish Cultural Research Association
4. Turkish Clubs Association

نهادها همان کنگره دوستی، برادری و همکاری کشورهای ترک و اجتماعات ترک است که تاکنون یازده جلسه آن تشکیل شده است. جلسه یازدهم برخلاف سایر جلسه‌ها که همگی در ترکیه برگزار شده بود در باکو تشکیل شد. در نشست یازدهم تلاش شده بود تا با دعوت بیش از ۵۰۰ هیأت نمایندگی از ۳۰ منطقه و کشور جهان از جمله مغولستان، رومانی، بلغارستان، روسیه و کوزو دامنه مشارکت گروه‌های ترک زبان گسترش داده شود (Radio Free Europe Radio Liberty, 2007).

در این نشست بود که رجب طیب اردوغان نخست‌وزیر اسلام‌گرای ترکیه نیز شرکت کرد و مسایلی را مطرح کرد که در واقع سال‌ها در زمره برنامه‌های گروه‌های پان‌ترکی بود. اردوغان در این نشست که در ۱۹-۱۷ نوامبر ۲۰۰۷ در باکو تشکیل شد، خواستار ایجاد اتحادیه‌ای از کشورهای ترک زبان به‌عنوان ابزار اولیه هماهنگی برای اقدامات مشترک در سیاست خارجی آنها شد. وی همکاری و همبستگی این کشورها را راه موفقیت سیاست‌های آنها دانست و تأکید کرد «اگر ما با هم همکاری نکنیم آنها ما را از هم خواهند گسیخت» (Today Zaman, 2007).

این نشست در گزارش نهایی خود خواهان شکل‌گیری بنیادی علمی، ایدئولوژیک، نهادی و حقوقی برای ایجاد اتحاد کشورهای ترک زبان شد. موضوع خارج کردن بخش ترک‌نشین قبرس از انزوای بین‌المللی، تلاش برای تأمین حقوق ملی ترکمن‌های عراق، گسترش روابط همکاری میان سازمان‌های ملت‌های ترک زبان مقیم اروپا، ایجاد اتحادیه سیاسی ـ اقتصادی اروپا ـ آسیا که در برگیرنده مناطق ترک‌نشین گرجستان و تاجیکستان نیز هست، کمک به ترک‌های گرجستان، تلاش برای شناسایی قتل‌عام خوجالی توسط ارامنه و حمایت از حاکمیت جمهوری آذربایجان بر ناگورنو ـ قره‌باغ از جمله مصوبه‌های این نشست بوده است.

در نشست دهم کنگره در نوامبر ۲۰۰۶ در شهر آنتالیا به پیشنهاد نور سلطان نظربایف رئیس‌جمهور قزاقستان طرح تأسیس «مجمع بین پارلمانی کشورهای ترک زبان» مطرح شد. این مجمع که نخستین جلسه خود را در نوامبر ۲۰۰۸ در استانبول برگزار کرد شامل روسای پارلمان‌های کشورهای آذربایجان، قرقیزستان، قزاقستان و ترکیه بود (Kardas, 2008).

در این جلسه عبدالله گل وزیر خارجه ترکیه به ضرورت اقدامات هماهنگ کشورهای ترک زبان برای گسترش اتحاد، پیشبرد صلح و ثبات و رفاه در منطقه اشاره کرد. پیش از نشست رؤسای پارلمان‌ها، معاون‌های آنها نیز جلسه‌ای در فوریه ۲۰۰۸ در آنتالیا تشکیل داده

بودند که در آن موضوع‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مربوط به این کشورها و طرح موضع واحد در برابر سیاست‌های خارجی مورد تأکید قرار گرفته بود(Daly, 2008). دومین نشست رؤسای پارلمان‌های کشورهای ترک زبان در سپتامبر ۲۰۰۹ در باکو برگزار شد(Anirova, 2009).

موانع فراروی پان‌ترکیسم در آسیای مرکزی

با همه این‌ها و با وجود تلاش‌های گسترده ترکیه و سیاستمداران آن برای پیشبرد غیررسمی پروژه پان‌ترکی در آسیای مرکزی و قفقاز از راه همکاری‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و با وجود برخی موفقیت‌هایی که در این زمینه‌ها به‌ویژه در زمینه فرهنگی و اقتصادی داشته است، موانع عمده‌ای نیز بر سر راه سیاست‌های ترکیه و استراتژی استفاده از همبستگی قومی و زبانی در آسیای مرکزی وجود دارد. این موانع باعث شده است تا خوشبینی‌های اولیه جریان‌های پان‌ترکی مانند حزب حرکت ملی و برخی سیاستگذاران دولتی و احزاب سیاسی در زمینه گسترش نفوذ ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز و رسیدن به آرمان اتحاد اقتصادی، فرهنگی و در نهایت سیاسی کشورهای مذکور با ترکیه از میان برود. درمیان این موانع می‌توان روی سه مانع اصلی تمرکز کرد که عبارتند از:

۱. عدم استقبال کشورهای آسیای مرکزی از برنامه‌های پان‌ترکی در ابعاد گوناگون آن،

۲. رشد ایدئولوژی‌های رقیب با پان‌ترکیسم و همبستگی قومی در منطقه،

۳. رقابت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با نفوذ ترکیه.

عدم استقبال کشورهای آسیای مرکزی از برنامه‌های پان‌ترکی

برخلاف تصور بسیاری از هواخواهان و نظریه‌پردازان و فعالان جریان پان‌ترکی که بر همبستگی اقوام ترک‌تبار به عنوان یک آرمان کاملاً دست‌یافتنی تأکید می‌کردند و بر آن بودند که همه اقوام ترک تبار یا ترک زبان دارای احساس‌ها و گرایش‌های مشابه به خود آنها در زمینه استقبال از طرح‌های پان‌ترکی برای اتحاد ترک‌های جهان هستند، با گذشت حدود کمتر از دو دهه از فروپاشی اتحاد شوروی و تلاش‌های فعالانه محافل پان‌ترکی رسمی و تلاش‌های غیرمستقیم دولت ترکیه برای پیشبرد امر برادری و اتحاد ترک‌ها نشان داد که کشورهای منطقه

استقبال چندانی از برنامه‌های مذکور نکرده‌اند و آنگونه که باید پروژه پان‌ترکی به پیش نرفته است. این مسأله را در چند بعد می‌توان مورد بررسی قرار داد.

الف- عدم استقبال کشورهای آسیای مرکزی از پروژه‌های پان‌ترکی

با وجود همراهی همیشگی جمهوری آذربایجان با برنامه‌های محافل پان‌ترکی در ترکیه، و با اینکه باکو و نخبگان پان‌ترکیست در حکم «کاسه داغ‌تر از آش» عمل می‌کنند، سایر جمهوری‌های آسیای مرکزی چندان تمایلی به سیاست‌های پان‌ترکی، چه به سیاست‌های غیررسمی ترکیه و چه فعالیت‌های آشکار گروه‌های پان‌ترکیست نشان نداده‌اند. این عدم تمایل را در چند رابطه می‌توان مشاهده کرد.

۱. عدم حضور در کنگره کشورهای ترک زبان

یکی از جلوه‌های عدم تمایل کشورهای آسیای مرکزی به پذیرفتن نقش «برادر بزرگ» برای ترکیه، مخالفت با سیاست‌های آن و از جمله دعوت‌های ترکیه و گروه‌های پان‌ترکیست ترکیه مثل حزب حرکت ملی برای حضور در کنگره‌های سران ترک موسوم به «کنگره دوستی، برادری و همکاری کشورها و اجتماعات ترک زبان» بوده است که شرح آن در صفحه‌های پیش ارائه شد. به‌جز نشست‌های اولیه، در بقیه جلسه‌های این کنگره برخی کشورهای آسیای مرکزی حضور نداشته‌اند. همین باعث شده است تا نشست کنگره برخلاف پیش‌بینی‌های اولیه نتواند هر ساله تشکیل شود. در میان کشورهای آسیای مرکزی، به‌ویژه ازبکستان و ترکمنستان تمایل چندانی به برنامه‌های پان‌ترکی نداشته و در بسیاری از جلسه‌های کنگره از جمله نشست هفتم در استانبول در سال ۲۰۰۱ و برخی جلسه‌های دیگر حضور نداشته‌اند. مخالفت رهبران ازبکستان و ترکمنستان با برنامه‌های ترکیه و نقش آن به‌عنوان «برادر بزرگتر» به حدی بوده است که ترکیه آخرین نشست کنگره را به باکو منتقل کرد.

به علاوه هم ازبکستان و هم ترکمنستان به‌جای پان‌ترکیسم، بر ملی‌گرایی ازبکی و ترکمنی تأکید کرده و در پی اتحاد ترکمن‌ها و ازبک‌ها بوده اند تا ترک‌ها. این دو کشور روی هم‌رفته دیدگاه مثبتی نسبت به نشست نداشته‌اند(Salih, 2006). علاوه بر کنگره دوستی، برادری و همکاری، رهبران آسیای مرکزی نسبت به حضور در جلسه‌های اخیر انجمن بین پارلمانی کشورهای ترک زبان نیز تمایل چندانی نداشته‌اند. نخستین نشست این مجمع که با تبلیغات

گسترده رسانه‌های ترکیه و جمهوری آذربایجان همراه بود تنها با حضور قرقیزستان، قزاقستان، جمهوری آذربایجان و ترکیه تشکیل شد(Mcmahon, 2005). علاوه بر این، برخی از کشورهای آسیای مرکزی به‌ویژه ازبکستان بر سر فعالیت گروه‌های پان‌ترکی در آن کشور به شدت با ترکیه اختلاف پیدا کرده‌اند. بسیاری از فعالان جریان‌های پان‌ترکی در سال‌های دهه ۱۹۹۰ در ازبکستان دستگیر و زندانی شده و جریان‌ها و شبکه‌های خبری پان‌ترکی تبلیغات گسترده‌ای را علیه ازبکستان به‌راه انداختند.

۲. مخالفت با سیاست‌های فرهنگی ترکیه

جلوه دیگر مخالفت کشورهای آسیای مرکزی با برنامه‌های پان‌ترکی و سیاست دولت ترکیه و جمهوری آذربایجان برای متحد ساختن کشورهای ترک زبان، عدم استقبال از سیاست‌های فرهنگی پان ترکی بوده است. با اینکه ترکیه در این کشورها به تأسیس مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها و تشکیل کلاس‌های ترکی استانبولی اقدام کرده است اما کشورهای آسیای مرکزی بر تقویت زبان‌های محلی ازبکی، ترکمن، قرقیزی و قزاق تأکید می‌کنند تا ایجاد زبان واحد ترکی مورد نظر آنکارا و باکو. این کشورها همچنین با پیشنهاد ترکیه برای تغییر الفباء از سیریلیک (روسی) به لاتین چندان استقبال نکردند. از میان این کشورها تنها آذربایجان، ترکمنستان و ازبکستان الفبای لاتین را انتخاب کردند. اما با همه اینها این کشورها خط خود را با خط موجود لاتین در ترکیه سازگار نکرده‌اند.

مخالفت با تغییر خط علاوه بر کشورهای آسیای مرکزی در جمهوری آذربایجان نیز که بزرگترین حامی پان‌ترکیسم در دوره معاصر است، مشاهده شده است. در جمهوری آذربایجان نیز افکار عمومی و برخی جریان‌ها و نخبگان از سیاست‌های پان ترکی دولت باکو حمایت نکرده و با آن مخالفت کرده‌اند. ناخشنودی بسیاری از نخبگان مذکور از عدم حمایت ترکیه از باکو در جریان جنگ با ارمنستان در دهه ۱۹۹۰ و اقدامات اخیر ترکیه در نزدیکی به ارامنه در همین رابطه بوده است(Kardas, 2008). حتی برنامه‌های فرهنگی دولت باکو که نشان از همراهی نخبگان حاکم با سیاست‌های پان‌ترکی داشته است چندان با استقبال عمومی مواجه نشده است. برای نمونه می‌توان به مسأله تغییر الفبا از روسی به لاتین اشاره کرد که با اعتراض جریان‌های سیاسی و نخبگان فرهنگی و سیاسی در جمهوری آذربایجان مواجه شد. از جمله آنها می‌توان به اعتراض حزب سوسیال دمکرات وحزب استقلال ملی در جمهوری آذربایجان به سیاست تغییر الفبا در سال ۱۹۹۳ اشاره کرد. به نوشته یکی از پژوهشگران مطالعات ترکی، «تقریباً همه

احزاب طرفدار استقلال (از شوروی) به تغییر الفبا و رفتن به سوی الفبای لاتین و توصیف زبان آذری به عنوان زبان ترکی به اتفاق آرا اعتراض کرده‌اند» (Turkistan Newsletter, 2005). اعتراض آنها این بوده است که زبان مرسوم در جمهوری آذربایجان تا سال ۱۹۳۶ ترکی نامیده می‌شد اما از آن زمان به بعد زبان آذربایجانی خوانده شد و این لقب نقش مهمی در برپایی دولت آذربایجان داشت. علاوه بر این بسیاری از شخصیت‌ها و جریان‌های مذهبی و پژوهشگران جمهوری آذربایجان به سیاست‌های پان‌ترکی دولت باکو که باعث رنجش ایران همسایه پر قدرت شد، و جمهوری آذربایجان را پیروی سیاست‌ها و پروژه‌های ترکیه ساخته است اعتراض دارند(همرنگ، ۱۳۸۴).

علاوه بر مسأله زبان و خط، جلوه دیگر مخالفت کشورهای آسیای مرکزی با سیاست تاریخ نویسی دولت ترکیه برای جهان ترک بوده است. وزارت آموزش و پرورش ترکیه در اوایل دهه ۱۹۹۰ که تب و تاب آرمان‌های پان‌ترکی بسیار قوی بود، برنامه بلندپروازانه‌ای را برای تدوین و بازنویسی کتاب‌های تاریخی برای همه کشورهای آسیای مرکزی، جمهوری آذربایجان و ترکیه مطرح کرده بود. اما به‌دلیل عدم استقبال کشورهای آسیای مرکزی و تمایل آنها برای تأکید به تاریخ ملی و تجربه تاریخی خاص خود این وزارتخانه ناچار شد بسیاری از برنامه‌های خود را برای تدوین و نشر کتاب‌های تاریخی واحد برای جهان ترک کنار بگذارد (Minrow, 1997). کشورهای آسیای مرکزی همچنین بر سر واژه «ترک‌گرایی» نظرهای متفاوتی با ترکیه و محافل پان‌ترکی داشته(Erganli Behar, 1996, pp. 21-2) و گاه نسبت به کاربرد آن اکراه داشته‌اند. برای نمونه در سال ۱۹۹۵ بحث مهمی در ازبکستان درباره واژه ترکستان و کاربرد آن در مورد همه کشورهای آسیای مرکزی به‌راه افتاد. محافل دانشگاهی ازبکستان نظر خوبی درباره این واژه نداشته‌اند. ازبک‌ها همچنین نام «مرکز پژوهش‌های ترکستان»[1] را تغییر داده و «مرکز پژوهش‌های آسیای مرکزی»[2] خواندند.

۳. نپذیرفتن کانال ترکیه برای ارتباط با غرب

کشورهای آسیای مرکزی همچنین با طرح اولیه ترکیه برای ارتباط با غرب از کانال آنکارا چندان سرسازش نداشته‌اند. گرچه در ابتدا برای خروج از انزوا و ورود به جهان و عرصه بین‌المللی با ترکیه همراهی کردند، اما بعدها ترجیح دادند بطور مستقیم با غرب (آمریکا و

1. Turkestan Research Center
2. Central Asia Research Center

اروپا) و اسراییل رابطه برقرار کنند. این کشورها نیز خود به برقراری رابطه مستقیم با کشورهای آسیای مرکزی اقدام کرده‌اند. روابط گسترده اسراییل با آسیای مرکزی(ارس، ۱۳۷۸) و تماس‌های مستقیم آمریکا با کشورهای منطقه به‌ویژه پس از رویدادهای ۱۱ سپتامبر و افغانستان طرح ترکیه را برای تبدیل کانال ارتباط با غرب تا حد زیادی تضعیف کرده است. گرچه ترکیه همچنان برای عضویت این کشورها به ناتو تلاش می‌کند اما چندان موفق نبوده و کشورهای غرب نیز نسبت به سیاست‌های ترکیه بدبین بوده‌اند(Weitz, 2006).

ب- رشد ایدئولوژی‌های رقیب پان‌ترکیسم در آسیای مرکزی

یکی از عوامل عدم استقبال کشورها و مردم آسیای مرکزی از ایدئولوژی و آرمان پان‌ترکیسم و سیاست‌های دولت ترکیه برای اتحاد کشورهای ترک زبان، وجود ایدئولوژی‌های رقیب با پان‌ترکیسم در این منطقه بوده است. در این زمینه می‌توان از دو جریان ایدئولوژیک نام برد: ملی‌گرایی محلی و اسلام‌گرایی.

۱. ملی‌گرایی محلی در برابر پان‌ترکیسم

حامیان و فعالان جریان پان‌ترکیسم در ترکیه و سایر نقاط به‌ویژه جمهوری آذربایجان که در ابتدا بر محور اعتقاد خود به محبوبیت پان‌ترکیسم و حمایت از مسأله اتحاد ترک‌های جهان در میان اقوام ترک زبان آسیای مرکزی، از پیروزی قریب الوقوع خود در پیوند کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز بر محور همبستگی و اتحاد ترک سخن می‌گفتند، به‌تدریج با واقعیت تلخی مواجه شدند، که نه تنها همچون رقیب بلکه بتدریج به عنوان دشمن پان‌ترکیسم ظاهر شد. این جریان ایدئولوژیک ملی‌گرایی محلی بود که در هر یک از جمهوری‌های آسیای مرکزی عامل بسیج و حمایت سیاسی نخبگان حاکم شد. هریک از نخبگان حاکم در کشورهای منطقه برای تداوم اقتدار خود آرمان‌های سوسیالیستی پیشین را رها کرده و به‌جای گرایش به آرمان پان‌ترکی و اتحاد بر محور آن، به سوی خلق هویت‌های سیاسی جدید بر محور ملی‌گرایی قومی رفتند.

به‌این‌ترتیب بود که در همان سال‌های نیمه نخست دهه ۱۹۹۰ ملی‌گرایی قزاق، قرقیز، ازبک و ترکمن در برابر ایدئولوژی فراملی پان‌ترکیسم قرار گرفتند. هریک از نخبگان سیاسی این کشورها نیز خود را در حکم قهرمانان و نجات‌دهندگان ملت خود و پدر ملی‌گرایی محلی قلمداد

می‌کردند. به این ترتیب بود که ترکمن باشی رهبر و پدر ترکمن‌های جهان و اسلام کریم‌اف پدر ازبک‌ها قرار گرفت. همین فرایند در میان قرقیزها و قزاق‌ها نیز قابل مشاهده است. علاوه بر این سیاست‌های ترکیه برای محور قراردادن آنکارا در بروز اتحاد و همبستگی ترکیه، نه تنها نخبگان سیاسی حاکم بلکه برخی از متفکران و حامیان پان‌ترکیسم محلی در این کشورها را با ترکیه بیگانه ساخت(Bokayeva, 2007).

قزاق‌ها، قرقیزها، ازبک‌ها و ترکمن‌ها از پذیرش ترکیه به عنوان برادر بزرگتر پرهیز داشتند. به‌این ترتیب در اصل کشورهای آسیای مرکزی به مفهوم «ترکیسم» و ترک‌گرایی به تعبیری که ترکیه در نظر داشت به‌دیده مساعد نمی‌نگریستند، و دیدگاه‌های خود را در رابطه با ترک بودن مطرح می‌کردند(ولیدی طوغان، ۱۳۷۵).

۲. اسلام‌گرایی

شاید بتوان اسلام‌گرایی را رقیب اصلی پان‌ترکیسم و حتی ملی‌گرایی محلی در آسیای مرکزی دانست. رشد سریع جنبش‌های اسلام‌گرایی چون نهضت اسلامی در تاجیکستان و حزب التحریر اسلامی یا نهضت اسلامی ازبکستان نشانگر وجود یک جریان رقیب بسیار قدرتمند فراملی در آسیای مرکزی بوده است. باید به این نکته مهم اشاره کرد که اعتقادات دینی از آغاز قرن بیستم تأثیر بسیار بیشتری بر افکار عمومی آسیای مرکزی داشته است تا جریان‌های ناسیونالیسم قومی- محلی یا ملی‌گرایی فراملی پان‌ترکیسم.

به همین دلیل بود که رهبران پان‌ترکیست ترک‌های جوان در سال‌های پس از جنگ جهانی اول بیشتر در پوشش اتحاد اسلامی و انگیزه‌های مذهبی به فعالیت‌های سیاسی پان‌ترکی در آسیای مرکزی مشغول بودند. مشارکت افرادی چون انور پاشا در نهضت باسماچی در همین ارتباط بود. امروز نیز این مسئله بسیار آشکار است به‌گونه‌ای که برخی ایجاد دولت‌های اسلامی و یا یک دولت اسلامی یکپارچه در آسیای مرکزی را جایگزین واقع‌گرایانه‌تری به جای پان‌ترکیسم می‌دانند. قدرت برخی از این جنبش‌های اسلامی همچون حزب التحریر اسلامی و یا نهضت اسلامی ازبکستان به قدری بوده است که پایه‌های رژیم‌های ازبکستان را به لرزه درآورد(ارس و کاها، ۱۳۸۱، صص ۸۳-۵۹). قیام مسلحانه نهضت اسلامی ازبکستان در آذربایجان در سال‌های اخیر نمونه عمده قدرت گروه‌های اسلام‌گرا بوده است.

قدرت اسلام‌گرایی به عنوان رقیب اصلی پان‌ترکیسم در خود ترکیه نیز قابل مشاهده است. در حالی که حزب اصلی پان‌ترکی در ترکیه یعنی حزب حرکت ملی قدرت خود را از داشتن

چند کرسی در پارلمان فراتر نبرده است، گروه‌های اسلام‌گرای ترکیه همچون حزب رفاه در سال ۱۹۹۶ و حزب عدالت وتوسعه در سال ۲۰۰۲ قدرت را به تنهایی بدست آورده‌اند. محافل پان‌ترکی چون حزب حرکت ملی و رهبر آن دولت باغچیلی هیچگاه محبوبیت عمده‌ای نه در ترکیه و نه درکشورهای آسیای مرکزی پیدا نکرده‌اند.

این در حالی است که گروه‌ها و نهضت‌های اسلام‌گرای ترکیه همچون فتح‌الله گولن از محبوبیت فراوانی هم در ترکیه و هم در آسیای مرکزی برخوردار است و فعالیت‌های خیریه او در جمهوری‌های آسیای مرکزی زبانزد همه شده و نوشته‌های زیادی پیرامون اندیشه‌ها و فعالیت‌های او در داخل و خارج ترکیه انتشار یافته است(Balci, 2002). به نظر می‌آید که افرادی چون گولن یا طاهر یولداش رهبر جنبش اسلامی ازبکستان و یا جمعه نمنگانی رئیس شاخه نظامی جنبش محبوبیت بیشتری از دولت باغچیلی دارند. در واقع امروز کشورهای آسیای مرکزی شاهد مبارزات دو جریان رقیب یکدیگر یعنی ملی‌گراهای محلی و اسلام‌گرایان هستند(Cheterian, 2005) تا شاهد موفقیت‌های جریان‌های حاشیه‌ای پان‌ترکی.

ج- رقیب‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ترکیه

سومین عامل مهمی که در برابر آرمان‌های پان‌ترکی در آسیای مرکزی سد ایجاد کرده است وجود قدرت‌های رقیب منطقه‌ای و جهانی برای ترکیه است. ترکیه پس از استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی و به‌دنبال آغاز نخستین گردهمایی‌های رهبران این کشورها در کنگره دوستی، برادری و همکاری کشورهای ترک زبان، حساسیت بسیاری از قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را برانگیخت. از میان قدرت‌های منطقه‌ای می‌توان به ایران اشاره کرد که به نوشته بسیاری از پژوهشگران رقبای اصلی بر سر کسب نفوذ در منطقه هستند و در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با یکدیگر رقابت می‌کنند(Efegil, 2003).

از آنجا که ایدئولوژی پان‌ترکیسم دارای جنبه‌های الحاق‌گرایانه و ضد ایرانی است، ایران به هرگونه برنامه‌های عملی ترکیه برای نزدیکی به منطقه حساس است و در صورت لزوم مانع آن می‌شود. مخالفت شدید ایران با طرح واگذاری منطقه قره‌باغ به ارمنستان و گرفتن ناحیه جنوبی ارمنستان هم مرز ایران برای جمهوری آذربایجان از آن جمله بوده است. با این همه ایران نیز به دلیل پی‌گیری سیاست‌های اسلام‌گرایانه عامل نگرانی کشورهای منطقه شده است.

علاوه بر این مخالفت آمریکا و غرب با هرگونه نفوذ جمهوری اسلامی در منطقه اطراف دریای خزر، قدرت رقابت ایران با ترکیه را کم کرده است.

در کنار ایران کشورهای دیگری همچون پاکستان و عربستان سعودی و حتی هند برای نفوذ در آسیای مرکزی با ترکیه رقابت می‌کنند. عربستان سعودی به‌ویژه تلاش می‌کند از بعد مذهبی به منطقه آسیای مرکزی نفوذ کند و رشد رادیکالیسم اسلامی افراطی در این منطقه تا حدی نشانه نفوذ عربستان و مکتب وهابی‌گری است(Rashid, 2001). هند و پاکستان نیز به همین‌گونه برای نفوذ اقتصادی و فرهنگی در آسیای مرکزی تلاش می‌کنند و برخی تحلیل‌گران حمایت پاکستان از طالبان در افغانستان را در راستای همین سیاست راه‌یابی به آسیای مرکزی تحلیل کرده‌اند(Farhadian, 2009). هندوستان نیز با توجه به نفوذ فرهنگی در آسیای مرکزی از دوران کمونیستی به بعد و با توجه به‌اینکه در حال تبدیل شدن به یک قدرت منطقه‌ای و صنعتی است، می‌تواند برای ترکیه رقیب قدرتمندی محسوب شود. نفوذ گسترده فرهنگ، موسیقی و سینمای هند در آسیای مرکزی بسیار فراتر از نفوذ هنر و سینمای ترکیه است.

با این همه رقبای اصلی‌تر ترکیه در آسیای مرکزی، روسیه و چین هستند. نفوذ گسترده روسیه بر کشورهای آسیای مرکزی به لحاظ نظامی و فرهنگی و وجود جمعیت روس زبان در همه این جمهوری‌ها باعث شده است تا رهبران آنها نگرانی روسیه و ناخشنودی آن از نفوذ ترکیه و غرب را در میان این کشورها مورد توجه قرار دهند و روابط خود با مسکو را همچنان محکم نگهدارند. روسیه همیشه تحولات مربوط به تلاش‌های ترکیه برای نزدیکی به آسیای مرکزی و به‌ویژه برنامه‌های دارای رنگ و بوی پان‌ترکی آن در برپایی نشست‌های سران این کشورها را با نگرانی دنبال می‌کرده است.

این جریان باعث شده است تا برخی تحلیل‌گران روسی به مسکو درباره جاه‌طلبی‌های ژئوپلیتیک رو به رشد ترکیه در آسیای مرکزی هشدار دهند(احمدی، ۱۳۷۷). روسیه که از دوران کمونیستی و پیش از آن نسبت به گسترش آرمان‌های پان‌ترکی در آسیای مرکزی و قفقاز حساس بوده است(Torbakov, 2006)، حضور ترکیه را بیشتر در راستای حضور غرب و آمریکا تفسیر می‌کند. تمایل ترکیه به عنصر کنترل کشورهای آسیای مرکزی نیز عامل اصلی نگرانی روسیه و هشدارهای آن به باکو و استانبول بوده است.

در کنار روسیه می‌بایست به نفوذ بسیار گسترده چین از نظر اقتصادی و سیاسی در آسیای مرکزی اشاره کرد که برخی آن را بزرگترین رقیب ترکیه می‌خوانند. حساسیت چین

نسبت به پان‌ترکیسم و به‌ویژه حمایت‌های جریان‌های پان‌ترکی از جنبش جدایی‌خواهانه مسلمانان ترک تبار شرق چین در سین‌کیانگ و یا اویغورها، سال‌ها است که باعث ناخشنودی چین از ترکیه و پان‌ترکیست‌ها بوده است. بدیهی است که چین برای تأمین امنیت ملی خود از نفوذ اقتصادی خود در آسیای مرکزی به منظور خنثی سازی پروژه‌های پان‌ترکی استفاده خواهد کرد. حضور گسترده چین در آسیای مرکزی به‌ویژه پس از شکل‌گیری پیمان شانگهای که کشورهای آسیای مرکزی نیز به همراه ایران در آن عضویت دارند، نشانه حساسیت چین به حضور ترکیه و پی‌گیری احتمالی آرمان‌های پان‌ترکی بوده است.

در نهایت می‌بایست از غرب یعنی ایالات‌متحده و اتحادیه اروپا نیز به عنوان رقیب و موانع مهم پیشرفت پان‌ترکیسم و اتحاد کشورهای ترک زبان اشاره کرد. در اصل محافل و نظریه‌پردازان پان‌ترکیست همیشه از حساسیت غرب نسبت به ایدئولوژی جاه‌طلبانه و الحاق‌گرایانه پان‌ترکیسم نگران بوده و به گروه‌های پان‌ترکیست در رابطه با احتمال اقدام‌های غرب برای جلوگیری از نفوذ پان‌ترکیسم و به‌ویژه نفوذ دولت ترکیه هشدار داده و آنها را به در پیش گرفتن احتیاط توصیه کرده‌اند(زیان بدرالدین، ۱۳۸۵، صص ۴-۳۷۱).

غرب نیز همانند روسیه در نهایت پان‌ترکیسم را نوعی ایدئولوژی فاشیستی و افراطی می‌داند و در برابر هرگونه تمایل الحاق‌گرایانه آن و ایجاد وحدت احتمالی کشورهای ترک زبان واکنش نشان خواهد داد. تلاش‌های گسترده آمریکا برای حضور مستقیم در آسیای مرکزی و جمهوری آذربایجان را باید در همین راستا با هدف کم کردن نفوذ ترکیه تعبیر کرد. اسراییل نیز گرچه از ابزار ترکیه برای نزدیکی به این جمهوری‌ها به‌ویژه جمهوری آذربایجان استفاده کرده است(World Tribune, 2004) ، اما در نهایت سیاست و روش مستقل خود را برای حضور در منطقه در پیش گرفته است. با توجه به حضور مستقیم آمریکا در آسیای مرکزی، نظریه کانال ترکیه سودمندی خود را از دست داده است.

اتحادیه اروپا نیز به همین‌گونه نگرانی‌های خود را نسبت به اهداف ترکیه در آسیای مرکزی بیان کرده و با طرح‌ها و اقدام‌های دارای رنگ و بوی پان‌ترکی آنکارا در منطقه مخالفت کرده است. تلاش‌های ترکیه برای عضویت در اتحادیه اروپا نیز باعث شده است تا دیدگاه‌های اتحادیه نسبت به سیاست‌های آنکارا در آسیای مرکزی و قفقاز برای نخبگان سیاسی و دولت ترکیه مهم قلمداد شود.

برای نمونه می‌توان به انتقاد اتحادیه اروپا از اقدام اخیر ترکیه برای لغو ویزا جهت بازدید مسافران آسیای مرکزی از ترکیه اشاره کرد. براساس این تصمیم ساکنان آسیای مرکزی برای سفرهای کمتر از سی روز به ترکیه نیازی به گرفتن ویزا ندارند. اتحادیه اروپا که خواستار هماهنگی میان سیاست‌های صدور ویزا در کشورهای عضو خود است این حرکت ترکیه را مورد انتقاد قرار داده و در بررسی عضویت آن در اتحادیه موثر دانسته است (World Bulletin, 2008).

د- تردید درباره موفقیت پان‌ترکیسم: ترکیه بر سر دو راهی

سرانجام چهارمین مانع مهم پیشرفت پان‌ترکیسم در آسیای مرکزی را باید در سیاست‌های خود دولت ترکیه جستجو کرد. وجود سه عامل مورد بحث به‌ویژه حساسیت غرب و کشورهای منطقه به برنامه‌های ترکیه در آسیای مرکزی از یکسو و ناتوانی اقتصادی ترکیه در پیشبرد پروژه پان‌ترکیسم در منطقه از سوی دیگر و در نهایت عدم موفقیت آرمان‌های پان‌ترکی در آسیای مرکزی باعث شده است تا احزاب سیاسی و رهبران ترکیه اصولاً نسبت به سیاست‌های پان‌ترکی و احتمال موفقیت آنها ابراز تردید کنند.

این نکته به‌ویژه به سیاست ترکیه در پیوستن به اتحادیه اروپا مربوط است. ترکیه بیشترین تلاش خود را متوجه سیاست خارجی غرب محور کرده است تا سیاست خارجی شرق محور و مبتنی بر جهان ترک. اظهار نظر برخی تحلیل‌گران ترک در رابطه با عدم موفقیت مورد نظر طرح‌های ترکیه در آسیای مرکزی از همین مسأله ناشی می‌شود(Aras, 2008). شاید در راستای همین سیاست واقع‌گرایانه بوده است که ترکیه در سال‌های اخیر سعی کرده است تا روابط خود را با روسیه، ایران و این اواخر ارمنستان بهبود بخشد. این ابتکارها عامل نارضایتی محافل و جریان‌های پان‌ترکی در ترکیه و جمهوری آذربایجان شده است. روسیه به‌عنوان صادر کننده اصلی انرژی به ترکیه از این ابزار برای اعمال نفوذ بر مقامات آنکارا بهره گرفته است.

روی کار آمدن گروه‌های اسلام‌گرا در ترکیه نیز عامل واقع‌گرایی بیشتر ترکیه و رفتن به سوی روسیه شده است. این روابط به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی چشمگیر بوده است. به‌گونه‌ای که روسیه با داشتن حجم تجارت ۱۵ میلیارد دلاری با ترکیه در سال ۲۰۰۵ به دومین شریک تجاری ترکیه پس از آلمان تبدیل شده است.

پیش از آمدن اسلام‌گرایان نیز در جریان سفر ولادیمیر پوتین به ترکیه در دسامبر ۲۰۰۴ شش قرارداد و توافق همکاری میان دو کشور در زمینه‌های انرژی، امور مالی و امنیتی امضا شد(Weitz, 2006, p. 3). بدیهی است که نزدیکی به کشورهایی چون روسیه، ارمنستان و ایران که از نظر پان‌ترکیست‌ها در آنکارا و باکو دشمنان اصلی ملت ترک هستند، باعث سرخوردگی جریان‌های پان‌ترکی شده است. علاوه بر این نزدیکی ترکیه به روسیه و ایران نگرانی غرب و به‌ویژه ایالات متحده را نیز برانگیخته است(Turkish Press, 2007).

نتیجه

پان‌ترکیسم نیز همانند بسیاری دیگر از ایدئولوژی‌های پان در زمره ملی‌گرایی رمانتیک قرار می‌گیرد که در جوامع گوناگون از طرف گروه کوچکی از جریان‌های سیاسی دنبال می‌شود. با این همه در مقایسه میان پان‌ترکیسم با سایر ایدئولوژی‌های پان مانند پان‌اسلاویسم، پان‌عربیسم، پان‌یهودیسم (صهیونیسم) یا پان‌ایرانیسم، ایدئولوژی پان‌ترکیسم از شدت بسیار بیشتری از رمانتیک‌گرایی آرمان‌گرایانه برخورداراست و دامنه رویاهایش برای ایجاد یک امپراتوری جدید ترک از شرق چین تا شرق اروپا، از گستره سرزمینی همه ملی‌گرایی‌های رمانتیک معاصر فراتر می‌رود. به همین دلیل پان‌ترکیسم در تمامی مراحل عملی خود با شکست و ناکامی مواجه شده است. در دوره ترک‌های جوان این رویا باعث انحراف سیاست‌های امپراتوری شد و آن را به فروپاشی کشاند و در دوره پس از فروپاشی شوروی نیز طرفداران آن را با مشکلات فراوان مواجه کرد.

در این پژوهش که بر تبدیل پان‌ترکیسم به بخشی از سیاست‌خارجی ترکیه امروز تمرکز کرده است، به اقدام‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ترکیه و جریان‌های پان‌ترکی برای ایجاد اتحاد و همبستگی میان کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی و جمهوری آذربایجان پرداختیم. با این همه بر سر راه سیاست‌خارجی مبتنی بر دنیای ترک (ترک‌دنیا) یا پان‌ترکیسم موانع گسترده‌ای وجود دارد که آنها را یکایک مورد بررسی قرار دادیم. عدم استقبال کشورهای آسیای مرکزی از ابتکارهای و بلندپروازی‌های ترکیه در بهره گرفتن از نقش برادر بزرگ‌تر در اتحاد میان کشورهای ترک زبان، وجود ایدئولوژی‌های رقیب در داخل و خارج ترکیه که اقتدار و پایگاه مردمی پان‌ترکیسم را با چالش اساسی مواجه می‌سازند (به‌ویژه

اسلام‌گرایی و ملی‌گرایی محلی)، و رقابت‌های گسترده با حضور ترکیه در آسیای مرکزی از سوی کشورهایی چون ایران، چین، روسیه و حتی خود غرب و سرانجام سرخوردگی خود ترکیه و قرار گرفتن بر سر دو راهی انتخاب سیاست خارجی مبتنی بر پیوستن به اتحادیه اروپا یا رفتن به سوی اتحاد جهان ترک مهمترین این موانع بود.

در این پژوهش تأکید شده است که گرچه ترکیه هیچگاه به‌طور رسمی سیاست‌های پان‌ترکی را به‌عنوان سیاست خارجی خود اعلام نکرده و امروزه نیز به‌دلیل ضعف اقتصادی و مشکلات دیگر ناشی از وجود موانع گوناگون بیشتر به سوی سیاست غرب محور یعنی پیوستن به اتحادیه اروپا متمایل است، اما با توجه به جذبه ایدئولوژی پان‌ترکی و سهولت تبدیل آن به ابزار کسب قدرت ملی و منطقه‌ای و با توجه به فعال بودن جریان‌های پان‌ترکی در ترکیه و جمهوری آذربایجان و تداوم تشکیل نشست‌های سالیانه سران کشورهای ترک زبان و رؤسای پارلمانی آنها و نیز ابتکارهای باکو در تشکیل کنگره‌های آذربایجانی‌های جهان، ایران نباید چالش برآمده ناشی از این ایدئولوژی الحاق‌گرایانه را نادیده بگیرد. ضرورت توجه به منافع ملی ایران در بیرون از مرزها و نیز دخالت‌های جریان‌های پان‌ترکی باکو و گاه ترکیه در تشویق گرایش‌های مشابه در میان برخی محافل کوچک آذری‌های ایران، دولت و جامعه روشنفکری و علمی ایران را بر آن می‌دارد تا این پدیده و تحرک‌های آن را به دقت تحت نظر بگیرند و تهدید علیه منافع ملی کشور را هر چند کوچک از دید پنهان ندارند. ازآنجا که گسترش پان‌ترکیسم در منطقه بیش از هر کشوری منافع ایران را تهدید می‌کند، بردولت و نخبگان فکری و سیاسی ایران است تا از چالش‌های بالفعل و بالقوه این پدیده غافل نباشند.

منابع و ماخذ

الف- فارسی

۱. احمدی، حمید(مرداد و شهریور ۱۳۷۷)، "طالبان: ریشه‌ها، علل ظهور و عوامل رشد"، **اطلاعات سیاسی ـ اقتصادی**، شماره ۱۳۲ـ۱۳۱.

۲. آلپ، ضیاکوگ(۱۳۵۱)، "اندیشه‌های ضیاکوگ آلپ در بحث تمدن شرق و غرب و تعلق ترک‌ها به تمدن غربی" در: **ناسیونالیسم ترک و تمدن باختر**، ترجمه فریدون بازرگان، تهران: موسسه فرهنگی منطقه ای.

۳. ارس، بولنت(۱۳۷۸)، "استراتژی اسرائیل در جمهوری آذربایجان و آسیای میانه"، ترجمه حمید احمدی، **فصلنامه مطالعات خاورمیانه**، شماره ۲.

۴. ارس، بولنت و عمر کاها(زمستان ۱۳۸۱)، "جنبش اسلامی لیبرالی در ترکیه: اندیشه های فتح الله گولن" ، ترجمه سید اسدالله اطهری، **فصلنامه مطالعات خاورمیانه**، شماره ۳۲.

۵. زیان بدرالدین، صابر(۱۳۸۵)، "پان‌ترکیسم؛ گذشته، حال و آینده آن»، لاندو، چیکوب، **پان‌ترکیسم: یک قرن در تکاپوی الحاق‌گری**، ترجمه حمید احمدی تهران: نشر نی.

۶. زیباکلام، صادق(۱۳۸۰)، "اسلام، ملی‌گرایی و اصول گرایی در جهان عرب"، **فصلنامه مطالعات خاور میانه**، شماره ۲۵.

۷. لاندو، چیکوب (۱۳۸۵)، **پان‌ترکیسم: یک قرن در تکاپوی الحاق‌گری**، ترجمه حمید احمدی تهران: نشر نی.

۸. ولیدی طوغان، زکی(۱۳۷۵) ، **قیام باسماچیان**، ترچمه علی کاتبی، تهران: بنیاد دائره المعارف اسلامی.

۹. همرنگ، ناصر(۱۳۸۴)، **از بادکوبه و چیزهای دیگر، یادداشت‌های سفر به جمهوری آذربایجان**، تبریز: جمعیت وطن.

ب- انگلیسی

1.Anirova, K. (April 15, 2009), Second Summit of Head of Parliaments of Turking-Speaking States to be Held in Baku in Autumn", **Trend News**.

2.Aras, Bulent (May.18, 2008), "Turkish Policy toward Central Asia", **Turkish Weekly**.

3.Balci, Bayram(11 April, 2002), "Central Asia: Fetullah Gulen's Missionary Schools", **ISLM News Latter**.

4.Bokayeva, Aigul(2007), **Pan Turkism in Kazakhstan**, Kazakhstan: Karaganda State University.

5.Cheterian, Vicken(March 2005), "Torn between Nationalists and Islamist: Central Asia'a five Fragile States", **Le Monde Diplomatique**.

6.Daly, John. C.K (2007), "Pan-Turkism Takes Step Forward in Eurasia", Eurasia **Daily Monitor**, Vol.5, No. 39

7.Efegil, Ertan(April 2003), "Iran and Turkey in Central Asia: Opportunities for Rapproachment in the Post-War Era", **Journal of Third World Studies**.

8.Erganli Behar, Busra(1996), "Turkism in Turkey and Azerbaijan in 1990s", **Eurasian Studies**. Vol. 3. No.3.

9.Farhadian, Ali Akbar (2009), "Uzbekistan to Lead Anti-Fundamentalist Drive in Central Asia", available at: http://www.iran-press service.com/articles/karimov.html.

10.Kardas, Saban (Nov. 23, 2008), "Turkey Pushes for Closer Political Ties within the Turkie-Speaking World", **Eurasia Daily Monitor**, Vol.5, No. 225.

11.Kardas, Saban(2008), Turkey Pushes for Closer Political Ties Within the Turkish- Speaking World", **Euroasiian Daily Monitor**, Vol. 5. Issue. 225.

12.**Kazinform Official News Agency** (June 13, 2007),"Turkey-Kazkhastan Cooperation in Language".
Mamedli, Natik (2003), **Integration Issues at Summits of the Turkic Spaking States**, CA&CC Press.
13.Mcmahon, Robert (1 Julay, 2005), "Uzbekistan: Opposition Figure Appeals for Democartization Aid", **Turkistan Newletter**.
14.Minrow, Gareth M. (July 1997), "Turkey and the Newly Independent States of Central Asia and the Transcaucasus", **Meria Journal**, Vol.1, No.2.
15.**Radio Free Europe Radio Liberty**(2007), Turkei-Speaking Countries to Hold Summit in Baku, available at: http://www.rferl.org/articleprintview.
16.Rashid, Ahmed(April 2001), The Fires of Faith in Central Asia, **World Policy Journal**.
17.Salih, Muhmmad(Jan.20, 2006), "Prospects for Political and Economic Change in Uzbekistan", **Turkistan Newslatter**.
18.**Today Zaman**(2007), "Erdogan Proposes Union of Turkish-Speaking States, available at: http:www.worlbulletin.net
19.Torbakov, Igor(September.22, 2006), "Russian Pundits Wary of Ankara's Revived Geopolitical Ambitions in Euroasia", **Euroasia Daily Monitor**, Vol. 3. Issue.175.
20.**Turkish Press** (11/20/2007), Turkey's Influence in Central Asia Disscussed in Washington".
21.**Turkistan Newsletter** (Tue, 28 June 2005), Uzbakistan: Fear of Emminet Executions".
22.Weitz, Richard (Summer 2006), "Toward a New Turkey-NATO Partnership in Central Asia", **Turkish Policy Quarterly**, Vol. 5. No. 2.
23.**World Bulletin**(2008), Turkey Implements Non-Visa Policy in Central Asia, http://www.worldbulletin.net/net.
24.**World Tribune** (Feb, 2, 2004), "Israel, Turkey Plan Joint Weapons Deals for Azerbaijan", Available at: World Tribune.com.